

احمد عیسوی
کارشناسی ارشد عربی و اسلامیات
علوم اسلامیات
تفکیک احوال

۲۶ - گزینہ ۱
قل (بگو) سیروا فی الارض (در زمین حرکت کنید، در زمین سیر کنید) فانظروا (پس بنگرید، نگاه کنید)
کیف (کیف) برأ الفلق (آغاز کرد آفرینش را)

۲۷ - گزینہ ۲
لا یکنی (کافی نیست) ان یفرونا دائما (که بیخسند ما را همیشه) ^{به حرف ناصبه}
لے التزانی لے التزانی

یل (بکشد) لیتطلع (باید بیاموزم = لے جازمه = در ترجمه «باید» می شود) ان تقفر (که بیخسند)
انفسنا (خودمان را) اجماعاً (گاهی)

۲۸ - گزینہ ۳
اذا (اگر، هرگاه) ترید (بخواهی) ان تكون (که باشی) سعیداً (خوش اقبال، شادمان)
مع الناس (همراه مردم) و یقیس (زندگی کنی) (مفعول التزام از جمله قبل) بفرح (به شادمانی) فها ملهم
(پس رفتار کن با آن‌ها) بما آتکون (تعبیر دوست داری) ان یعامدوک (با تو رفتار کنند = التزانی)
لے حذف تون دانسته

۲۹ - گزینہ ۳
توجه = ان = اگر کان لے (دانست) کذب (دروغ) لون (درنگی)
(داگشته باشی)

کننا هدر (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری) لے می دیدیم

۳۰ - گزینہ ۳
توجه = ان اشکرک = تا که از تو شکر کنم لیم یکن ذکک کاینا = بنود آن کافی
لے لیم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی

۳۱ - گزینہ ۳
لقد تعلمنا (قطعاً آموختیم)

۳۲ - گزینہ ۲

كانت تستطيع (می توانستی) رد گزینہ های ۱ و ۳

در مورد گزینہ ۳ عبارت با آن ما بنویسید (نه درست است)

س ۳۳ گزینہ ۳ زیاد (زیادتی شود، اختیاری می باشد) احترام الناس تک (احترام مردم به تو)

بقدر (به همان اندازه که) از زیاد (زیاد بود) احترامک لنفسک (احترام تو به خودت)

س ۳۴ گزینہ ۱

س ۳۵ گزینہ ۴ معاذه (مصرفه) = المبتدر - یبانیس = نکره = بطاریه - براس - یفن همراهم = لحوالی

س ۳۶ گزینہ ۲ گزینہ ۲ مناسب به نظر می رسد!!!

س ۳۷ گزینہ ۴ و ا

۱- قطعا لیغند زدن مفرد صغیر را عوس می کند
۲- لیغند زدن همیشه بر اینکه صاحب لیغند عوس در آن است و دلالت نمی کند
۳- ممکن است یک نفر عوس را قضاوت کند و لیغند قضاوت او را عتق یا شیر
تیزار
۴- از طریق لیغند می توانیم حالت صایبه لیغند را در اجتماع متوجه بگردیم.

س ۳۹ گزینہ ۳ لیغند زدن عی و حیات را آسان می کند. (به شکل مناسب تر است از سایر گزینها)

س ۴۰ گزینہ ۲
س ۴۱ گزینہ ۳
س ۴۲ گزینہ ۴
س ۴۳ گزینہ ۴
← اسم فاعل و مصدره «تتبعکم» X
← مع ماضیه «جذب» همان وزن «دفعتم» X

س ۴۴ گزینہ ۴ آبار (جمع بئر، چاه ها) = مفرد آن بئر است = حفر مکان های در زمین ✓
البحیره: دریاچه، آب خراخی که گرد آرد آن زمین با سنگ (عربی آن درست است ✓)
البئر = چاه: حفره ای در زمین که در آن آب است (آب خالص و سرد)
البئر = خشکی

س ۴۵ گزینہ ۳
۱- وقع فی شراعی له (در بدین احوال خودکس اعتقاد) = از مکافات عمل خاند ✓
۲- وهب الامیر مال الیئک - امیر از آنچه به او تعلق ندادده می نهد ✓
۳- مقتل الکرمین بین حکیمه = مرد بین آزاره های (دوگت = زبان) کشته می شود.
* (منرب - استنک بحری است)

* ضرب المثل ها را با بنی نمودند چه وقت اللفظی کرد *

۴۶) کز بنده ۲ - مسافر

۴۷) کز بنده ۳ نصافاً (بسیار ضعیف کننده) (فقال)

۴۸) کز بنده ۱

۴۹) کز بنده ۱ = وارد اتاق نشستم و بنده را دیدم که متحیر (حالت بی بنده را بیان می کند) به واژه می گردود.
در سایر کز بنده متحیراً خبر منسوب (بصیح و نسیس و کان) می باشد.

۵۰) کز بنده ۲

در سایر کز بنده ها مستثنی منه وجود دارد ولی در کز بنده ۲ مستثنی منه ندارد.

۱- لا توجد وسيلة تنقلنا الى مدينة الا سيارة قديمة
لـ مستثنی منه مستثنی

۲- ما اختار موسى (ع) الا سبعين رجلاً
لـ مستثنی منه مستثنی

۳- لا تفضل ملائنا اليوم الا سرعاً والبراً فيه
مستثنی منه مستثنی

۴- ما بقي من المدرس طالب الا الذين ...
مستثنی منه مستثنی

مدرسه باقی